



Social and social issues of immigrants' delinquency towards the legal system and immigrant society

Mahzari, Faranak¹ - Pakzad, Batool^{2*} - Alipour, Hasan³ - Fatahbakhsh, Mojtaba⁴

1: PhD. student of criminal law and criminology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2: Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran :corresponding author (d.b.pakzad@gmail.com)

3: Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, University of Tehran (Farabi Campus), Qom, Iran.

4: Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Shahid University, Tehran, Iran

In the issue of immigrants, the existing laws are mainly influenced by public opinion, political discussions, monitoring and security feedback regarding the arrangement of the responsible institutions. In this article, with a descriptive and analytical view, the approach of the legal system in the social prevention of immigrants' delinquency is discussed with reference to international and domestic laws, the principles of prevention and the attitude of the host society, and in the policy discourse in the country, considering the existing challenges, this result It can be said that the current laws are mainly security-oriented, discriminatory and ignoring a large number of immigrants who live in the country illegally, and unfortunately, the reflection of public opinion is also in the continuation of such an attitude. While in this area, the establishment of strategic laws and It is necessary to draw a far-reaching policy from the human dimension and human rights and an in-depth, non-discrimination and threat-oriented approach in organizing the affairs of immigrants, both legal and illegal, in the social sphere, with a differentiated, coherent and codified policy in order to attach the issues Incident and new, taking into account the alien component, but being human, both in the legislation and in the use of preventive tools, with the coordination of related institutions and organizations, to enlighten the minds of the society, to prevent the decision making, and to protect the country's security, to succeed in reducing and eradicating the delinquency of immigrants in P Achieved social recognition.

Keywords: Immigrants, social prevention, crime, legal system.



فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۵ - شماره ۳۲ - پاییز ۱۴۰۲

صفحات ۳۱۹ - ۳۴۸ (علمی - پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۱۱/۰۸ - بازنگری ۱۴۰۲/۰۴/۱۰ - پذیرش ۱۴۰۲/۰۴/۱۹

پیشگیری اجتماعی از بزهکاری مهاجران در پرتو نظام حقوقی و جامعه مهاجرپذیر

فرانک محضری^۱ / بتول پاکزاد^۲ / حسن عالی پور^۳ / مجتبی فرحبخش^۴

۱: دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲: استادیار حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

d.b.pakzad@gmail.com

۳: استادیار حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران.

۴: استادیار حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

چکیده

در موضوع مهاجرین، قوانین موجود عمدتاً متأثر از افکار عمومی، مباحث سیاسی، نظارت و بازخوردهای امنیتی با توجه به چیدمان نهادهای مسئول است. در این نوشتار با نگاهی توصیفی-تحلیلی، رویکرد نظام حقوقی در پیشگیری اجتماعی از بزهکاری مهاجران با استناد به قوانین بین المللی و داخلی، اصول پیشگیری و نگرش جامعه میزبان مورد مذاقه قرار می گیرد و در گفتمان سیاستگذاری در کشور با توجه به چالش های موجود، این نتیجه حاصل شده که قوانین فعلی عمدتاً امنیت محور، تبعیض آمیز و با نادیده انگاری جمع کثیری از مهاجران است که به طور غیر مجاز در کشور اسکان دارند و متأسفانه بازتاب افکار عمومی نیز در تداوم چنین نگرشی قرار دارد؛ در حالی که در این حوزه، وضع قوانین راهبردی و ترسیم خط مشی فرانکر از بعد انسانی و حقوق بشری و نگرشی ژرف بینانه، بدون تبعیض و محدودیت در تمسیت امور مهاجران - اعم از قانونی و غیر قانونی - در حوزه اجتماعی لازم است تا با سیاستگذاری افتراقی، منسجم و کدگذاری شده به منظور ضمیمه ساختن موضوعات حادث و جدید با توجه به مؤلفه بیگانه، اما انسان بودن، هم در تقنین و هم در بکارگیری ابزارهای پیشگیرانه با هماهنگی نهادها و سازمان های مرتبط با تنویر اذهان جامعه، از تشمت تصمیمات جلوگیری و با پاسداشت امنیت کشور به موفقیت در کاهش و محو بزهکاری مهاجران در پیشگیری اجتماعی دست یافت.

کلیدواژه: مهاجران، پیشگیری اجتماعی، بزهکاری، نظام حقوقی.

- محضری، فرانک؛ پاکزاد، بتول؛ عالی پور، حسن؛ فرحبخش، مجتبی (۱۴۰۲). پیشگیری اجتماعی از بزهکاری مهاجران در پرتو نظام حقوقی و جامعه مهاجرپذیر. مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان، شماره ۳۲، صفحات ۳۱۹-۳۴۸.

Doi: [10.22075/feqh.2023.29760.3513](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.29760.3513)

مقدمه

توسعه کرامت مدار در دنیای کنونی بدون سیاستگذاری در حوزه های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در تأمین حداقل های رفاه به منظور ممانعت از ارتکاب بزه و گرایش به آن در جهت حفظ امنیت، امری محال است. پیشگیری از جرم به عنوان بخشی از سیاست جنایی در حوزه کنترل اجتماعی ناظر به اقداماتی است که قبل از وقوع جرم صورت می گیرد. در پیشگیری اجتماعی افزایش و یا بهبود سطح رفاه، بهداشت، اشتغال، جامعه پذیری از طریق آموزش های آکادمیک و رسانه ای و نیز شناسایی عوامل و شرایط جرم زا برای به حداقل رسانیدن و یا جلوگیری از ارتکاب جرائم، مورد توجه است و شیوه های پیشگیری بر اساس علت شناسی و رابطه همبستگی در میان ساختارهای اجتماعی، فردی و جمعی قابل تعیین می باشد. با امعان نظر به آن که جرم از هر منظری موجب سلب اعتماد اجتماعی است - بالأخص آن که از سوی مهاجرین بیگانه باشد - اتخاذ رویکردی مناسب که اثرپذیری و تأثیرگذاری سیاست جنایی در آن منجر به دستیابی به کلیه تدابیر کیفری و غیر کیفری در پیشگیری از بزهکاری و تحدید ارتکاب جرم و افزایش امنیت اجتماعی و روانی گردد، حائز اهمیت است. در کشور ایران حضور گسترده نهادهای مختلف از صدر تا ذیل به عنوان متولیان امور مهاجران، به ویژه نهادهای امنیتی نشان از اهمیت موضوع مهاجرین در کشور دارد. این که چگونه می توان با هماهنگی این نهادها زیر نظر وزارت کشور و با نظارت سازمان ملی مهاجرت، در مهار پدیده مجرمانه موفق بود نیاز به سیاستگذاری درست و تدقیق در حیطه قانونگذاری با نگرش به قوانین بین المللی در خصوص آموزش و پرورش، اشتغال، نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و نیز مذاقه در قوانین داخلی به منظور آگاهی از سیاست های اتخاذی، آثار و پیامد های اجرایی آن در پیشگیری اجتماعی از وقوع بزهکاری مهاجران و نیز اطلاع رسانی و آموزش صحیح به اتباع کشور در مواجهه با اتباع بیگانه دارد تا رویکردی مناسب به منظور تضمین حقوق بنیادین مهاجران و برقراری عدالت اجتماعی در جهت تحدید هنجارستیزی و دوری از زمینه های ارتکاب جرم مهاجران حاصل

شود. این مقاله با توجه به پیشینه تحقیق در پاره ای از موضوعات مرتبط با مهاجران در زمینه اشتغال، آموزش و رفاه و تأمین اجتماعی و جایگاه آن در نظام های حقوق بین الملل و حقوق داخلی در کتب حقوقی، مقالات، پایان نامه ها و سایت های مرتبط، در پی تبیین نظم قانونی فعلی و سمت و سوی این سیاستگذاری ها و کاستی های آن و چالش های موجود در سطح تقنین، افکار عمومی، هزینه های اقتصادی و امکان استفاده از ابزار های پیشگیرانه جهت دستیابی به یک سیاست افتراقی با لحاظ ابعاد انسان دوستانه، عدالت محور و کرامت مدار است تا در پیشگیری اجتماعی با وضع قوانینی به روز و کارآمد و افزایش اعتماد عمومی موفق به کنترل بزهکاری مهاجرین گردد. بر این اساس، بعد از بیان مفهوم پیشگیری و پیشگیری اجتماعی و اصول و مبانی آن به داشته های سیاست تقنینی در حوزه بین المللی و داخلی پرداخته می شود و سپس چالش های پیشگیری اجتماعی از وقوع بزهکاری مهاجران مورد کنکاش قرار گرفته و در نهایت، راهکارهای راهبردی با توجه به جهت گیری تحلیلی های نظری چنین خواهد بود که سیاستگذاری افتراقی با تجمیع قانونی نظام مند و با نگرش بر اصول حقوق بشر و هماهنگی نهادهای مرتبط و آگاهی جامعه میزبان به دور از افراط در نگاه امنیتی، تبعیض آمیز و منازعات سیاسی می تواند به عنوان بازویی قدرتمند و بازدارنده در حوزه اجتماعی در کاهش و محو بزهکاری مهاجران اعم از قانونی و غیر مجاز به ثباتی مانا در کشور دست پیدا کند.

۱- اصول پیشگیری اجتماعی در قبال بزهکاری مهاجران

پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم مهاجران بر مبانی ای استوار است که خط مشی های کلی در جهت بازدارندگی بر اساس آن تنظیم می گردد. جهت دستیابی به این اصول، درک مفاهیم پیشگیری و پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم لازم است تا مبانی این پیشگیری در حیطه وقوع جرم مهاجران به درستی تبیین و در پی آن، در بازه تحدید جرم، تصویر روشنی از راهبردها ترسیم گردد.

۱-۱- مفهوم پیشگیری و پیشگیری اجتماعی

پیشگیری در لغت، به معنای جلوگیری و رفع می باشد. در تعریف پیشگیری، دو مفهوم موسّع و مضیق ملحوظ نظر است. مفهوم پیشگیری در رویکرد موسّع، شامل تمامی اقداماتی است که منجر به کاهش بزهکاری می گردد و در مفهوم مضیق، به ابزارها و وسایلی اشاره دارد که دولت در حذف یا محدود نمودن عوامل جرم‌زا در مهار هر چه بیشتر بزهکاری با مدیریت صحیح عوامل گوناگون محیطی، فیزیکی و اجتماعی اعمال می نماید (ساریخانی و سلطانی بهلولی، ۱۳۹۵: ۱۴۳). طبق ماده یک قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴، «پیشگیری از وقوع جرم، عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن»؛ بنابراین پیشگیری مجموعه اقداماتی است که وضعیت پیش جنایی را با تمرکز بر شخصیت فرد و محیط پیرامون وی کنترل، و از به فعلیت درآمدن اندیشه مجرمانه با دور اندیشی، شناخت و محو عوامل جرم‌زا جلوگیری می نماید.

پیشگیری اجتماعی، نوعی مدیریت در حوزه پیشگیری است که از مؤلفه های بارز آن دخالت فعال دولت در محیط اجتماعی زندگی افراد است. ارکان اصلی و شاخص این الگوی پیشگیرانه، عبارت است از مدیریت ریشه های اساسی بروز جرائم و فراهم آوردن زندگی مبتنی بر کرامت انسانی و رفاه برای تک تک افراد اجتماع؛ چنین پیشگیری، تلخیصی از عبارت پیشگیری از رهگذر توسعه اجتماعی است و به اموری اشاره دارد که با هدف تأثیرگذاری بر افراد در معرض خطر بزهکاری اجرا می گردد (عارفی، ۱۴۰۰: ۲۴۶). پیشگیری اجتماعی که مستلزم برنامه ریزی بلند مدت است اثر پایدارتری نسبت به پیشگیری وضعی داشته و شامل اقدامات پیشگیرانه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که در رفع علل ریشه ای جرم مؤثر است (شکر بیگی و خوئینی، ۱۳۹۷: ۱۸۷). پیشگیری اجتماعی به دو نوع: پیشگیری جامعه‌مدار براساس اقدامات تأثیرگذار بر محیط اجتماعی، و رشد مدار براساس سازوکارهای مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت فرد تقسیم می‌شود. در پیشگیری جامعه‌مدار، تلاش بر تقلیل و یا حذف عوامل جرم‌زای محیطی است. از سیاست های این نوع از پیشگیری، اعمال

مدیریت صحیح در مقتضیات محیط اجتماعی مناسب در جهت سلب فرصت های بزهکاری است به گونه ای که محیطی سالم و بهنجار را در راستای تعامل صحیح به تصویر بکشد (خراسانی، ۱۳۹۱: ۳۸). در پیشگیری رشد مدار یا زود هنگام، هدف، اتخاذ تدابیری روانشناختی - اجتماعی پیشگیرانه نسبت به اطفال و نوجوانانی است که با توجه به شرایط خانوادگی، تحصیلی، محلی و ... در موقعیت های بحرانزا در آستانه ارتکاب جرم قرار می گیرند (حسینی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۰۵).

در پیشگیری اجتماعی، عوامل زمینه ساز ارتکاب جرم در بدو امر مورد توجه قرار می گیرد، زیرا ریشه های بزهکاری عمدتاً برخاسته از شرایط نامطلوب حاکم بر جامعه ای نامتوازن است که هر گوشه آن مدیریتی ناصحیح را در ایجاد نابسامانی و وضعیت های پیش جنایی که موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی اجتماع است، ترسیم می نماید. در این میان، جهت وصول به چشم اندازی که برنامه های پیشنهادی در پیشگیری در نظر دارند توجه به شرایط مطلوب یک جامعه متعادل از لحاظ قانونمداری و اجرای صحیح این قوانین در حوزه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بسیار حائز اهمیت است. با نگاهی به ساختارهای قانونی نظام آموزشی، بهداشتی، شغلی، اخلاق اجتماعی و سیاسی در امر پیشگیری می توان ریشه های قانون گریزی و انحراف و یا عدم کارایی این قوانین و یا ضعف در اجرای آن را به درستی شناسایی کرده و محرک های خطرآفرین بزهکاری به طور اعم، و در مورد مهاجران، به طور اخص را در شروع تکوین با سیاستگذاری درست در عرصه پیشگیری به چالش کشید و با آن مبارزه نمود.

۱-۲- اصول پیشگیری اجتماعی

ارائه طرحی جامع در جهت پیشگیری اجتماعی از بزهکاری مهاجران، نیازمند آگاهی از اصولی است که برنامه های پیشگیری بر اساس آن تنظیم می گردد. این اصول که می تواند تا حدودی برگرفته از اصول هشتمانه رهنمود های سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم باشد که در سال های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۲ میلادی به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل رسیده (دانش آرا، ۱۳۹۷: ۹-۱۰) و بدون تفکیک اتباع

داخلی و خارجی به کشورها پیشنهاد گردیده بود با تغییراتی در موضوع مهاجران شامل موارد ذیل می شود:

الف- اصل حقوق بشری بودن و نگاه بشر دوستانه در فراهم آوردن زندگی کرامت مدار، عادلانه و بدون تبعیض و نابرابری که سایر اصول پیشگیری اجتماعی بر پایه آن قرار دارند.

ب- اصل اختصاصی بودن برنامه های پیشگیری با توجه به موقعیت خاص مهاجران به عنوان بیگانگانی ساکن در کشور که بی توجهی به مشکلات آنان می تواند تبعات ملی و فراملی را رقم بزند.

پ- اصل فراگیر بودن برنامه های پیشگیری اجتماعی که به دنبال حذف یا خنثی کردن علل و عوامل تکوین دهنده و زمینه ساز جرم است؛ نظیر بهبود وضعیت بهداشت، زندگی خانوادگی، آموزش، تأمین مسکن، ایجاد فرصت های شغلی و فعالیت های محلی (نجفی توانا و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۹) برای تمامی اتباع بیگانه در کشور، زیرا با نادیده انگاری جمعیت زیادی از مهاجرین غیر مجاز نمی توان الگویی توانمند را در پیشگیری از جرم به تصویر کشید.

در حیطه آموزش و پرورش به عنوان یکی از مبنایی ترین محورهای پیشگیری اجتماعی، روح تعالی و انسانیت در مهاجرین از همان اوان کودکی بر پایه آموزه های حقوق بشری، نهادینه و فرهنگ سازگاری با جامعه و سایر انسان ها و احترام به قانون و ارزش های اساسی به کودکان و نوجوانان آموزش داده می شود، اما این آموزش و پرورش باید برای همه کودکان و نوجوانان مهاجر - اعم از قانونی و غیر مجاز - در نظر گرفته شود تا این اصل از پیشگیری اجتماعی در مجرای صحیح خود بتواند به دستاوردی مهم در عرصه محو پدیده مجرمانه نایل شود. محور دیگر، ایجاد فرصت های شغلی مناسب جهت امرار معاش و حمایت اقتصادی از نهاد خانواده است تا بتواند با آرامش روانی به گذران یک زندگی معمول پردازند و بر اساس استحقاق و توانایی های مثبت خود، از خدمات بیشتر اجتماعی همسان با افراد جامعه میزبان برخوردار باشند. بی توجهی

به اشتغال مهاجران، تبعیض در واگذاری فرصت های شغلی مناسب و نادیده انگاری مهاجرین غیر قانونی از سبب حمایتی اشتغال، منجر به بهره کشی و استثمار توسط صاحب کاران و انجام کارهای غیرقانونی و گاه خلاف می گردد. این مهم همراه با خشم و انزجار از جامعه میزبان، روح تعاون و همبستگی را در آنان از بین برده و راهی به سوی بزهکاری در برابر آنان می گشاید. مورد مهم دیگر، تهیه مأوی و محل زندگی مناسب و ارائه خدمات روانشناسی، بهداشتی و آموزشی در سکونتگاه های مهاجران است که بدون جدایی گزینی به تدریج بتواند اختلاط مناسبی با جامعه میزبان از جهت سازگاری اجتماعی و هنجارمندی داشته باشند. عدم توجه به این امر می تواند به حاشیه نشینی و زندگی درون گروهی و قومیتی منجر شده و مراکز نابسامانی را در حاشیه شهرها ایجاد نماید که از حداقل های امکانات یک زندگی ساده بی بهره باشند و فقدان آموزش صحیح، فرهنگ مناسب و جامعه پذیری به تدریج برخی از آنان را به سمت باندهای بزهکاری سوق خواهد داد. در مقوله تأمین اجتماعی و رفاه، بهداشت و خدمات درمانی، سبب معیشت باید به گونه ای تنظیم شود که مهاجرین در برخورداری از آن دچار مشکل نبوده و این موضوع در قالب بسته های حمایتی به مهاجرین غیر قانونی نیز تعمیم داده شود تا فراگیری تأمین رفاه به منظور کاهش فقر اقتصادی استیفاء شود.

ت- اصل ارزیابی سیاست های اتخاذی تا به امروز، این که تا چه اندازه سیاستگذاری ها در مهار بزهکاری مهاجران موفق عمل نموده، بالتبع جهت ارزیابی، نیازمند آمارهای موجود از وضعیت اتباع خارجی و اشراف بر نحوه زندگی اجتماعی و دسترسی آنان به خدمات رفاهی و آموزشی و نیز آماری از جرایم ارتكابی توسط مهاجرین است تا با آگاهی از کاستی ها به تدوین یک سیاستگذاری درست دست یافت.

ث- اصل همیاری نهادهای مردمی به سیاستگذاران در شناسایی مشکلات اتباع خارجی به دلیل تعامل مستقیم با آنان و به دور از شائبه های سیاسی کاری و صرفاً بشردوستانه و ارائه راهکارهای عملی در زدودن مسائلی که می توانند زمینه های انحراف و بزهکاری باشند.

ج- اصل تداوم سیاستگذاری ها در جهت کاهش مشکلات جامعه مهاجرین تا بتوانند با راهبردی کل نگر و انسان دوستانه، خط مشی های اساسی را از پایه ایی ترین محور پیشگیری اجتماعی یعنی آموزش و پرورش تا اشتغال، مسکن، بهداشت، تأمین اجتماعی، رفاه و موضوعات حادث و جدید ادامه دهند.

بنابراین پیشگیری اجتماعی در قبال بزهکاری مهاجران بر پایه اصولی قرار دارد که کلیه سطوح زندگی مهاجرین را در زمینه های مختلف اجتماعی رصد می نماید؛ لذا با اشراف بر این اصول با مبانی قانونگذاری صحیح می توان الگویی در نظام تقنینی فراهم نمود که در قلمرو زندگی اجتماعی مهاجران، مهار پدیده بزهکاری به سهولت میسر گردد.

۲- منابع حقوقی پیشگیری اجتماعی از وقوع بزهکاری مهاجران

موضوع دشوار جرم و شیوه های مقابله با آن همواره به مشغولیتی عمومی در عرصه سیاستگذاری های ملی و فراملی بدل گشته است. آمار ناخوشایند جرایم، پیوسته کنشگران داخلی و بین المللی را به تدوین و ارائه برنامه هایی هدفمند در جهت کاهش و یاریشه کنی علل ارتکاب جرم رهنمون ساخته و در این میان، توجه به سیاست های موجود در حوزه تقنینی می تواند خط مشی های اتخاذی و کاستی های موجود را به عنوان الگویی راهبردی در مسیر پایه ریزی صحیح پیشگیری اجتماعی به نمایش بگذارد.

۲-۱- اسناد بین المللی

سازمان ملل متحد همواره مرجعی جهانی و پیشرو در ارائه راهبردهایی در جهت پیشگیری از وقوع جرم بوده است؛ پیشینه توجه به وضعیت هایی که می توانند در جلوگیری از بروز ناهنجاری ها تأثیرگذار باشند. در منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه های جهانی، کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مصوب دسامبر ۱۹۶۶، مقاله نامه های مربوط به حقوق بنیادین کار برای کارگران خارجی، مقدمه پیمان جهانی مهاجرت مصوب ۲۰۱۸، کنگره های پنجسالانه سازمان ملل متحد از سال ۱۹۵۵ تا سال

۲۰۲۰ و رهنمود های پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ میلادی، مواردی به چشم می خورد که حکایت از توجه خرد جمعی به اموری است که تأمین کننده نیازهای پایه ای حیات مادی و معنوی انسان و در واقع، مبانی پیشگیری اجتماعی به شیوه ای کرامت مدار است.

در بند الف ماده ۵۵-۱ منشور سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۴۵ بالا بردن سطح زندگی و فراهم ساختن کار برای همه تشویق شده است. در مواد ۱۶-۳، ۲۳، ۲۲، ۲۵-۲ و ۲۶-۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ بر حمایت جامعه و دولت از خانواده، داشتن حق امنیت اجتماعی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که لازمه نمو شخصیت افراد است، حق کار و انتخاب آزادانه آن و حمایت در مقابل بیکاری و داشتن مزد منصفانه، بهره مندی از آموزش و پرورش رایگان لااقل در مقطع ابتدایی، هدایت آموزش و پرورش برای تعالی شخصیت انسانی و تقویت احترام به حقوق و آزادی های بشر و احترام به عقاید مختلف و دوستی بین تمامی ملل و جمعیت های نژادی و یا مذهبی در راه حفظ صلح تأکید و در اصول ۲، ۳، ۶، ۷، ۸ و ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹ میلادی، حمایت ویژه از کودکان و وسایل ضروری جهت پرورش بدنی، فکری، اخلاقی و اجتماعی به نحوی سالم در محیطی آزاد و قانونمند و اولویت منافع کودکان، امنیت اجتماعی کودکان و پرورش در محیطی سالم و مراقبت و حمایت های خاص، دقت در پرورش کودک و توجه خاص مقامات اجتماعی و جامعه نسبت به کودکان بدون خانواده و یا بی بضاعت و یا پر جمعیت، حمایت در مقابل هر گونه شقاوت و استثمار و اعمال و رفتاری که مروج تبعیض نژادی و مذهبی و غیره است و این که کودک باید با روحیه ای پرتفاهم و معتقد به دوستی بین مردم و صلح و برادری جهانی و خدمت به هموعان پرورش یابد را مورد توجه قرار داده است. در اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب اوت ۱۹۹۰ میلادی در قاهره در مواد ۱، ۷، ۹، ۱۲، ۱۳ و ۱۷ بشر را به عنوان یک خانواده که همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند مورد توجه قرار داده و بر آموزش و تربیت کودکان، انتخاب مکان اقامت در داخل یا

خارج از کشور، تضمین حق کار برای همه، تأمین اجتماعی برای کارگران بدون هرگونه بهره‌کشی و تکلیف دولت به تضمین زندگی شرافتمندانه و تأمین مایحتاج خانواده‌ها اشاره شده است. در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب دسامبر ۱۹۶۶ میلادی و در مقدمه آن [با اذعان به این که بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد رهایی یافته از ترس و فقر در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق مدنی و سیاسی خود و همچنین از حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی او ایجاد شود] و ماده ۲-۱ آن [دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب و عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی - ثروت - نسب یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین بکنند] در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مصوب دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مواد ۱، ۷، ۱۰، ۱۱-۱، ۱۲-۱، ۱۳-۱ و ۱۵-۱ به مواردی اشاره شده که در پیشگیری اجتماعی حائز اهمیت است؛ از جمله مقرر شده است که کشورهای طرف این میثاق، حق هر کس را به تمتع از شرایط عادلانه و مساعد کار از جمله مزد منصفانه، اجرت مساوی برای کار با ارزش مساوی، مزایای کافی برای آنان و خانواده‌اشان، ایمنی و بهداشت کار به رسمیت می‌شناسد؛ توجه به نهاد خانواده و حمایت و مساعدت به آن به ویژه در مورد نگاهداری و آموزش و پرورش کودکان، تدابیر خاص در حمایت و مساعدت به نفع کلیه اطفال در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی، به رسمیت شناختن حق هر کس به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش، به رسمیت شناختن حق هر کس به آموزش و پرورش که هدف آن نمو کامل شخصیت انسانی و تقویت احترام به حقوق بشر و موجبات تفاهم و دوستی بین کلیه ملل و گروه‌های نژادی-قومی یا مذهبی با اجباری و رایگان نمودن آموزش و پرورش (اکبری، ۱۳۹۰: ۸۵۲-۷۸۹). لازم به ذکر است که ایران به هر دو میثاق فوق پیوسته است.

در مقدمه کنوانسیون حقوق کودک و مواد ۱، ۳، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱ مصوب ۱۹۸۹ میلادی، بیان گردیده که خانواده به عنوان گروه بنیادین جامعه و محیط رشد کودک باید از حمایت و مساعدت لازم برخوردار باشد تا بتواند مسئولیت های خود را به طور کامل در جامعه برعهده بگیرد و کودک برای زندگی فردی در اجتماع، آمادگی کامل پیدا نماید و با اذعان بر این که در تمام کشورهای جهان کودکانی هستند که در شرایط فوق العاده دشوار زندگی می کنند و نیازمند توجه ویژه می باشند و کشورهای عضو که ایران نیز یکی از آنهاست حقوق مندرج در پیمان نامه حاضر را برای هر یک از کودکانی که در حوزه قضایی آنها می باشد بدون هرگونه تبعیض و بدون توجه به نژاد و ملیت و پیشینه اجتماعی به رسمیت شناخته و حمایت و مراقبتی که برای رفاه کودک ضروری است و نیز انجام کلیه اقدامات تقنینی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم برای حمایت از کودکان در برابر کلیه اشکال خشونت و بی توجهی، سوء رفتار و یا بهره کشی را انجام دهند این گونه اقدامات حمایتی برحسب مورد، شامل روش های مؤثر در ایجاد برنامه های اجتماعی جهت پشتیبانی از کودک و کسانی است که مراقبت از کودک را برعهده دارند و نیز پشتیبانی با دیگر شکل های پیشگیری و مراقبت از کودکان فاقد والدین توسط دولت و حمایت مناسب و مساعدت بشردوستانه به کودکان پناهنده (یونیسف، وزارت دادگستری، ۱۴۰۰: ۳۱-۵).

در مقاله نامه های شماره ۲۹، ۱۰۵ مربوط به حقوق بنیادین کار برای کارگران خارجی در منع کار اجباری و مقاله نامه های شماره ۱۱۱ و ۱۰۰ سازمان بین المللی کار در منع تبعیض در استخدام و اشتغال و دو مقاله نامه شماره ۱۳۸ و ۱۸۲ در محو مؤثر کار کودک، هرگونه تبعیض میان کارگران براساس نژاد، رنگ، ریشه ملی، جنس، مذهب و اندیشه سیاسی و خاستگاه اجتماعی و کار کودکان منع شده است (پروین و رستمی، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۴-۹۳). در ماده ۲۷ کنوانسیون بین المللی حقوق مصوب دسامبر ۱۹۹۰ میلادی، گسترش حداقلی حمایت اجتماعی برای کارگران مهاجر مقرر شده و مطابق این ماده در رابطه با حمایت های تأمین اجتماعی، کارگران مهاجر و خانواده آنها

باید در کشوری که در استخدام می‌باشند از رفتار مشابه که با اتباع آن کشور صورت می‌گیرد برخوردار گردند. این امر مشروط به آن است که کارگر مهاجر، الزاماتی را که به موجب قانون دولت میزبان مقرر شده است رعایت نماید (براتی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۲).

در مقدمه پیمان جهانی، مهاجرت به کنوانسیون‌های مربوط به اشتغال مهاجران به شغل‌های شایسته و درخور اشاره و در مواد ۸، ۱۲ و ۱۳ آن به تأثیرات مهاجرت بر کشورها، اجتماعات، مهاجران و خانواده آنها و تلاش در تحقق حقوق بشر و محافظت از مهاجران از طریق مراقبت و کمک رسانی در شناسایی و فراهم آوردن خواسته‌های مشروع مهاجرین و تحقق شرایطی که در آن، مهاجران قادر به استفاده از توانایی‌های انسانی، اقتصادی و اجتماعی باشند و توانمندسازی و برجسته نمودن موارد مثبت در آنان به جهت حفظ امنیت، نظم و ضابطه‌مندی مهاجرت تأکید شده است (پیمان جهانی مهاجرت، ۲۰۱۸: ۳-۱)؛ در مواد ۶، ۱۲، ۱۴، ۲۵ رهنمودهای پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ میلادی با عنوان طرح‌های اجرایی برای اعمال قطعنامه وین در مورد جرم و عدالت، نشست و بررسی چالش‌های قرن ۲۱ به ویژه اقدام برای پیشگیری از جرم که قابل تعمیم به همه افراد، جدا از ملیت و تابعیت آنان است، ارتقای سطح رفاه مردم و تشویق رفتار اجتماعی آنان از طریق اقدامات اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و آموزشی با تأکید ویژه بر کودکان و نوجوانان و تمرکز بر عوامل خطر و عوامل حمایتی مرتبط با جرم و بزه دیدگی (پیشگیری از طریق توسعه اجتماعی یا پیشگیری اجتماعی از جرم)، رعایت قواعد قانون و حقوق بشر در تمام جنبه‌های پیشگیری، توجه به نیازهای خاص اعضای آسیب‌پذیر جامعه در راهبردهای پیشگیری از جرم، ترویج عوامل حمایتی از طریق برنامه‌های جامع و موفق توسعه اجتماعی و اقتصادی از جمله در زمینه بهداشت، تحصیل، مسکن و اشتغال و استفاده از راهبردهای آموزش و آگاه‌سازی عمومی در رواج فرهنگ قانون‌مداری و انعطاف در عین احترام به هویت‌های فرهنگی (محمد نسل، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۵-۲۹). چنان که گذشت در اسناد بین‌المللی، در مواد و اصول مختلف، به

موضوعاتی پرداخته شده است که می‌توانند به عنوان رویکردی راهبردی در پیشگیری اجتماعی از جرم نه تنها برای تابعین، بلکه کلیه افراد مستقر در محدوده مرزهای یک کشور نقش ایفا کنند. ترسیم خطوطی چون حق بر زندگی کرامت مدار و مبتنی بر اصول آزادی و برابری که نشأت یافته از حقوق بشر و در جهت اعتلای امنیت روانی و شخصی است و حمایت از انسان‌ها جدا از ملیت، نژاد و جنس در زمینه‌های آموزش، بهداشت، اشتغال، نهادینه نمودن ارزش‌های انسانی با تأمین امنیت روانی، عاطفی، مادی و با آموزش و پرورش صحیح، تأمین رفاه و تضمین حقوق اقتصادی و فرهنگی با ایجاد شرایط منصفانه در بهره‌برداری از موقعیت‌های شغلی با حقوقی برابر متناسب با استانداردهای قابل قبول، توجه به نهاد خانواده به عنوان عنصر اساسی اجتماع که پی‌ریزی مقدماتی باورها، هنجارها و ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی را برعهده دارد و توجه به آموزش کودکان در مقاطع مختلف تحصیلی و ترویج روح تفاهم، برابری، صلح، گذشت و در یک جمله، انسانیت به جای تبعیض نژادی و مذهبی این اسناد به واقع، بینشی را در اختیار کشورهای جهان قرار می‌دهند که با ملحوظ نظر داشتن و توسعه موارد بیان شده در قالب علوم تخصصی و مرتبط چون جرم‌شناسی پیشگیری، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی علاوه بر نظام عدالت کیفری، جامعه‌ای به دور از عوامل جرم‌زا را به تصویر بکشند. این مواد و اصول، نگرش مهم جدا از راهبرد کیفری و به دور از افتراقی‌سازی تابعین و مهاجران با نگرشی کلی به اجتماعات انسانی در جوامع گوناگون در جهت پیشگیری اجتماعی از ارتکاب جرایم محسوب می‌گردند که به طور غیر مستقیم، علل ارتکاب جرایم را در کانون توجه خود دارند. آن چه در پیشگیری اجتماعی به آن اهتمام می‌شود نیز نگرش به ریشه‌های ارتکاب جرم و تدابیر لازم در زمینه محو و مهار آنها می‌باشد.

۲-۲- قوانین داخلی

راهبایی پیشگیری از جرم در متون قانونی، در پی افزایش آمار جرایم و ناکارآمدی پاسخ‌های کیفری انجام پذیرفته است. بنابر آموزه‌های دلماس مارتی، سیاستگذاری

دولت‌ها در حوزه کنترل اجتماعی جرایم به رعایت الزام‌ها و ضابطه‌های خاصی همانند قانون اساسی و اصول راهبردی آن در اصل پیشگیری از بزه و اصل اصلاح بزه‌کاران، رویه‌های قضایی و نظرات مشورتی - اصلاحی، منطقه‌ای و جهانی و به عبارتی، مقررات فراملی در کنار حاکمیت ملی دولت‌ها مقید می‌باشد (دل‌ماس مارتی، ۱۳۹۳: ۵۹). پیشگیری اجتماعی از جرائم، در قالب سیاست جنایی تقنینی با نگرش بر واقعیت بزهکاری موجود در جامعه شکل می‌گیرد، اما در حیطة قانونگذاری توجه به کرامت انسانی و تمهید مقدماتی که در آن برابری انسان‌ها در کنار پاسداشت حاکمیت ملی ملحوظ نظر قرار گیرد از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. بدین منظور، آگاهی از برنامه‌های سیاستگذاری پیشگیرانه فعلی و پروسه اجرای آن می‌تواند نقاط قوت و ضعف این قوانین را در جهت کنترل و کاهش بزهکاری مهاجران آشکار نماید.

در قانون اساسی و قوانین برنامه‌های پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ به عنوان اصول حاکم بر سیاست جنایی پیشگیری از وقوع جرم در کشور، گرچه به طور مشخص به وضعیت پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم مهاجران اشاره‌ای نشده است اما در مقدمه قانون اساسی و اصول سوم، چهل و سوم و صد و پنجاه و شش آن می‌توان سیاستگذاری در عرصه پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم برای همه افراد ساکن در پهنه سرزمینی ایران را استنباط نمود: اصل رفع نیازهای انسان در جهت رشد و تکامل او با تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد، رفع تبعیضات ناروا، ایجاد تسهیلات عادلانه، آموزش و پرورش رایگان برای همه، تأمین نیازهای اساسی مانند مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، تعمیم بیمه و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه، امنیت قضایی عادلانه و این که حتی در برابر غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل عمل نموده و حقوق انسانی را رعایت نمایند و از طرفی در بند ۵ اصل ۱۵۶ نیز اقدام مناسب در پیشگیری از وقوع جرم، مورد تأکید قرار گرفته است. در قوانین برنامه‌های پنجساله توسعه که سیاست‌های کلان نظام در آن نگاشته شده، پیشگیری در

جهت رویارویی با ناهنجاری های اجتماعی در مواردی چند پیش بینی شده که کلیه آحاد مردم جامعه را جدا از ملیت آنان شامل می شود و در خصوص پیشگیری اجتماعی، قابل تعمیم به مهاجران می باشد: از جمله در قانون برنامه پنجساله دوم توسعه در بخش دوم از خط مشی های اساسی این قانون، در بندهای ۵، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴ از ماده یک، بندهای ۳، ۴، ۱۴، ۱۷ از ماده دو، و بند ۲ ماده ۳ و بندهای ۷، ۹، ۱۰، ۱۱ از ماده ۱۳ به تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی، تعمیم، گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی به منظور پرداخت مستمری به اقشار نیازمند، زنان و کودکان بی سرپرست، توسعه بیمه های اجتماعی، تقویت آموزش های عمومی و تحت پوشش قرار دادن کلیه کودکان و نوجوانان لازم التعلیم، اتخاذ تصمیمات سازگار جهت محرومیت زدایی، ترویج رفتار مناسب فردی، خانوادگی و اجتماعی و مبارزه با رواج الگوهای ناهنجار رفتاری، ترویج فرهنگ احترام به قانون و نظم اجتماعی، رعایت اخلاق و ارزش های اجتماعی در کلیه آحاد جامعه و ایجاد زمینه های لازم جهت فعالیت های سالم و سازنده فرهنگی، علمی، اجتماعی.

در قانون برنامه پنجساله سوم توسعه بر طبق ماده ۴۸، وزارت کشور موظف به جمع آوری کلیه افراد خارجی فاقد پروانه کار و انتقال آنان به کشور متبوع خود در صورت عدم تهدید جانی و در غیر این صورت، مجتمع نمودن آنها در اردوگاه های مشخص در سال اول این برنامه بود. در ماده ۱۸۰ این قانون به منظور ایجاد تمرکز در سیاستگذاری امور اتباع خارجی (آواره، پناهنده، مهاجر و اتباع خارجی دارای گذرنامه) در زمینه ورود، اسکان، اخراج، اشتغال، آموزش، بهداشت و درمان و روابط بین الملل، شورای هماهنگی اجرایی اتباع بیگانه به ریاست وزیر کشور و عضویت وزیران آموزش و پرورش، اطلاعات، امور خارجه، کار و امور اجتماعی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، دبیر شورای عالی امنیت ملی، فرمانده نیروی انتظامی و رئیس جمعیت هلال احمر تشکیل می گردد که تصمیمات شورای مذکور پس از تأیید هیات وزیران قابل اجرا خواهد بود. در ماده ۳ آئین نامه اجرایی ماده ۱۸۰ این

قانون، به بیان منظور از تمرکز سیاستگذاری در امور اتباع بیگانه پرداخته است [منظور از ایجاد تمرکز در سیاستگذاری امور اتباع بیگانه، تعیین سیاست های اجرایی حاکم بر امور اتباع بیگانه، تهیه و تصویب طرح ها و برنامه ها، پیشنهاد بودجه مورد نیاز طرح ها، نظارت بر حسن اجرای سیاست های مصوب شورا و ایجاد وحدت نظر و رویه در تمشیت کلیه امور مدیریت اتباع بیگانه است].

در بند (د) ماده ۹۱ قانون برنامه چهارم توسعه [کلیه اتباع خارجی مقیم کشور، موظف به دارا بودن بیمه نامه برای پوشش حوادث و بیماری های احتمالی در مدت اقامت در ایران می باشند]. در قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۹۴ بند (د) ماده ۲۸ [کلیه اتباع خارجی مقیم کشور، موظف به دارا بودن بیمه نامه برای پوشش حوادث و بیماری های احتمالی در مدت اقامت در ایران می باشند ...] در ماده ۲۰۹ و بند (د) ماده ۲۱۱ این قانون، دولت جهت ارتقاء امنیت اجتماعی، اخلاقی و پیشگیری و مقابله با هرگونه ناهنجاری فرهنگی و اجتماعی و اخلال در امنیت عمومی، موظف به ارتقاء امنیت و سالم سازی فضای عمومی جامعه شده است. در قانون برنامه پنجساله ششم توسعه مصوب ۱۳۹۶ در ماده ۶۳، دولت به ایجاد تحول در نظام تعلیم و تربیت و ارتقای جایگاه آموزش و پرورش و نظارت بر آن به عنوان امر حاکمیتی با توسعه همکاری دستگاه های اجرایی مکلف شده است. در بند (۵) تبصره ماده ۷۰ این قانون [پوشش بیمه سلامت برای افراد خارجی مقیم در کشور، از جمله پناهندگان گروهی مورد تأیید دفتر اتباع خارجی وزارت کشور الزامی است....] و در ماده ۸۰ و ماده ۸۱ و بند الف و بند ت ماده ۱۱۳، دولت به تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی با اولویت طلاق، اعتیاد، حاشیه نشینی، کودکان کار و مفسد اخلاقی به منظور پیشگیری، پیشگیری اولیه با اصلاح برنامه های آموزشی و پیش بینی آموزش های اجتماعی و ارتقای مهارت های زندگی، پیشگیری از ناهنجاری ها و آسیب های اجتماعی با تصویب شورای اجتماعی کشور، خدمات رسانی به موقع به افراد در معرض آسیب های اجتماعی با مشارکت سازمان های غیردولتی، تمهید تسهیلات اشتغال، شناسایی و بهبود نقاط

آسیب خیز و تمرکز بخشیدن حمایت های اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مددکاری، مشاوره اجتماعی و حقوقی، بهبود کیفیت زندگی سکونت گاه های غیررسمی، برنامه ریزی در مدیریت جمعیت و مهاجرت در کشور و ممانعت از توسعه حاشیه نشینی با رویکرد تقویت مبادی مهاجرت، ساماندهی کودکان کار و روزآمدسازی نظام جامع رفاه مکلف شده و قوه قضائیه نیز مکلف شده تا با استفاده از ظرفیت های تمامی دستگاه های اجرایی و بهره گیری از مشارکت اجتماعی مردم و سازمان های مردم نهاد و مراکز علمی و پژوهشی کشور، نسبت به تهیه و تدوین برنامه جامع پیشگیری از وقوع جرم و ارتقای سلامت اجتماعی با رعایت قوانین اقدام نماید. در قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ بدون اشاره به مهاجران در مواد ۳ و بند ۲ ماده ۵، به سیاست های اجرایی و برنامه های ملی پیشگیری از وقوع جرم در چهارچوب قوانین و سیاست های کلی نظام، شناسایی زمینه ها و علل وقوع جرم، کاهش آسیب های اجتماعی و انجام تحقیقات و پژوهش ها از طریق نهاد های تحقیقاتی در قوای سه گانه و مراکز دانشگاهی پرداخته شده است.

گرچه در قوانین متفرقه، آئین نامه ها و بخشنامه ها توجه به وضعیت اتباع بیگانه در کشور دیده می شود که می تواند از بروز آسیب هایی که زمینه ساز بزهکاری است ممانعت نماید اما همچنان کاستی هایی قابل مشاهده است که نیاز به سیاستگذاری درست در موضوعات مختلف دارد. در تبصره ۳ ماده ۱ قانون ساختار جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳ و نیز ماده ۵ قانون تأمین اجتماعی ۱۳۳۹ با اصلاحات بعدی و ماده ۵۰ مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی ۱۳۷۳ به حمایت های ناشی از پیری و از کار افتادگی، فوت و حمایت های مربوط به نظام جامع تأمین اجتماعی اتباع خارجی که در ایران اشتغال دارند و شهروندان خارجی، طبق مقوله نامه ها و قراردادهای بین المللی اشاره شده، اما در رابطه با مواد ۱۲۰ تا ۱۲۹ قانون کار مصوب ۱۳۶۸، به حق کارگران بیگانه بر تأمین اجتماعی توجهی نشده است (براتی و دیگران، ۱۵۰-۱۳۹۹:۱۴۹)؛ مضافاً این که در قانون مذکور، حق کار برای اتباع بیگانه ایی به

رسمیت شناخته شده که دارای روادید ورود با حق کار مشخص می باشند. در آئین نامه ماده ۱۲۹ قانون کار مصوب ۱۳۷۱ نیز بر این امر تأکید گردیده است. در خصوص تحصیل اتباع خارجی در مدارس ایران، اولین مصوبه هیات دولت در سال ۱۳۵۹ در مورد ثبت نام و تحصیل اتباع خارجه، سپس آئین نامه نحوه آموزش اتباع خارجی در سال ۱۳۸۳ حق تحصیل تنها با مدارک معتبر، ماده واحده مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۸، بخشنامه صادره از سوی دولت در سال ۱۳۹۳ در ثبت نام رایگان با مدارک هویتی، دستور حکومتی مبنی بر ثبت نام تمام فرزندان اتباع خارجی - اعم از دارای مدارک هویتی و یا بدون مدرک - در مدارس ایران (واعظی، ۱۳۹۷: ۳۰) و نهایتاً بخشنامه آموزشی ابلاغ شده در سال ۱۴۰۱ از سوی وزارت آموزش و پرورش مبنی بر نیاز به برگه حمایت تحصیلی و یا شرکت در طرح بازشماری جهت ثبت نام در مدارس به چشم می خورد (help.unhcr.org: 2022).

در آئین نامه اجرایی نحوه تعیین و شناسایی خانوارهای ایرانی و اتباع خارجی به شماره ۵۸۷۱۷/۱۶۴۴۹۵ مصوب ۱۴۰۰ در خصوص نحوه تعیین و شناسایی اتباع خارجی مشمول دریافت یارانه، تعیین تکلیف گردید. در بندهای ۷، ۹، ۱۰ و ۱۲ ماده ۲ و مواد ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۳۶ آئین نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب خرداد ۱۴۰۰، به رعایت اصل برخورد برابر و بدون تبعیض از حیث نژاد، ملیت، مذهب و ... در خصوص اطفال و نوجوانان در معرض خطر و نیز توسعه مهارت های آموزشی، اجتماعی، فردی، اولویت حفظ طفل و نوجوان در کانون خانواده و توجه به مسائل ... و شرایط اقتصادی و اجتماعی طفل و نوجوان و خانواده وی الزامی شده است و نسبت به شناسایی و صدور اسناد سجلی و یا اوراق هویتی برای اطفال و نوجوانان ایرانی یا غیر ایرانی فاقد این اسناد، تعیین تکلیف و سازمان ثبت احوال مکلف شده است اسامی آنان را به آموزش و پرورش اعلام نماید و نیز با هماهنگی وزارت امور خارجه، تعامل لازم با سازمان های بین المللی جهت جذب تسهیلات و خدمات بهداشتی و درمانی برای اطفال و نوجوانان غیر ایرانی را انجام و در اختیار وزارت بهداشت و سازمان بهزیستی

قرار دهد. در پیشگیری اجتماعی از وقوع بزهکاری مهاجران در حوزه تقنین، موضوعاتی همچون اشتغال، آموزش، سلامت، بیمه و تأمین اجتماعی در مواردی و وضعیت تابعیت فرزندان با مادر ایرانی به منظور دوری از بی هویتی، که در صورت عدم توجه به هر یک از این امور، به بحرانی اساسی در امور اجتماعی منجر می گردد مورد توجه قانونگذار ایرانی و نیز متولیان امور مهاجران قرار گرفته است؛ اما در این میان، نگاه نابرابر و تبعیض آمیز به ویژه در اشتغال همراه با نگرش امنیتی در این موضوع و موارد دیگر از جمله آموزش برای کودکان و نوجوانان فاقد مدرک هویتی با وجود حکم حکومتی در ثبت نام آنان و الزام به داشتن برگه حمایت تحصیلی و یا شرکت در طرح بازشماری به منظور ثبت نام در مدارس، شمار زیادی از مهاجران غیر مجاز را به دلیل ترس از طرد شدن از دریافت خدمات آموزشی، اشتغال و به تبع آن بیمه محروم می نمایند در حالی که طبق مقدمه و اصل سوم قانون اساسی، تأمین نیازهای اساسی مانند مسکن، خوراک، بهداشت، درمان، تعمیم بیمه و رعایت حقوق انسانی برای همه، آموزش و پرورش رایگان برای همه، ایجاد کار برای همه افراد و رفع تبعیضات ناروا به منظور رفع نیازهای انسان در جهت رشد و تکامل او مقرر و مورد تأکید قرار گرفته است و گرچه دولت در بحث اعمال حاکمیت و اقتدار ملی ناگزیر است مجاری امنیتی اجتماعی را با هدفمند ساختن راهبردهایی، از جمله توانمند سازی مرزها و سامان دهی اتباع بیگانه مورد توجه قرار دهد اما در این مسیر، بایسته های انسانی و حقوق بشری در نگاه کرامت مدار به اتباع بیگانه نباید از نظر دور انگاشته شود.

۳- چالش های پیشگیری اجتماعی از بزهکاری مهاجران

در عصر حاضر با گسترش مهاجرت، به ویژه از کشورهای توسعه نیافته، پر آشوب و یا جنگ زده، جوامع میزبان با چالش های اساسی در تمشیت امور مهاجران در حوزه های مختلف به منظور پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه مواجه شده اند. این چالش ها در چند محور عمده، از جمله نگرش شهروندان جوامع مهاجرپذیر، میزان و امکان استفاده

از ابزارهای پیشگیرانه، دشواری تفکیک بزهکاری مهاجران از بومیان جهت پیشگیری، هزینه های اقتصادی و مقررات و سیاست های اتخاذ شده، قابل واکاوی می باشند.

«گیدنز، نگرش های بنیادگرایانه مبتنی بر سنت را عامل مهم تأثیرگذار بر نوع نگرش نسبت به مهاجران تلقی می کند. وجود پیشینه های متفاوت زبانی، دینی و فرهنگی می تواند نقاط ضعفی باشد که به دشمنی های آشکار در میان گروه های قومی منجر شود» (بیگوند و رجبو، ۱۳۹۳: ۴۶-۴۹). آن چه این نگرش را از قومیت های داخلی یک کشور متمایز می نماید تفاوت در خاستگاه سرزمینی و عرق ملی است که موجب برجستگی نگاه نابرابر، نژادپرستانه و محدودیت محور به مقوله مهاجرن خارجی می گردد. این شیوه تفکر، ناخواسته بر اذهان نهادهای جامعوی، رسانه ها و سیاستگذاران در اتخاذ تدابیر پیشگیرانه با تعصب بر منابع و فرصت های شغلی و رفاهی در ارائه خدمات، تأثیر می گذارد. صرفنظر از این الگوی فکری، اگر تمامی برنامه های پیشگیری از جرم نیز در زمینه همنوایی و جامعه پذیری به درستی تدوین و اجرا گردد تا زمانی که نگاه از بالا به پائین و به دور از اصول انسانی و حقوق بشری، بر بنیان های فکری اتباع داخلی حاکم باشد ساز و کارهای پیشگیری اجتماعی نمی تواند توفیقی در انسجام اجتماعی مهاجرین و جلوگیری از رفتارهای بزهکارانه حاصل نماید. جرائم ارتكابی از سوی مهاجران، بنا بر نوع و شدت رفتارهای بزهکارانه، همواره شاخصی بر میزان تبهکاری و نقض ارزش های یک جامعه نظام مند بوده است و بررسی این جرائم در شناسایی عوامل مؤثر بر وقوع جرم و برنامه ریزی در جهت خنثی سازی آن و تدوین یک سیاست جنایی پیشگیرانه، حائز اهمیت می باشد. اما در اتخاذ این تدابیر کنشی، وجود مشابهت در جرائم ارتكابی بومیان و اتباع خارجی، برنامه های پیشگیری را با دشواری هایی روبرو می سازد. شائبه اتخاذ تدابیر کنشی همسان، بدون افتراقی سازی و لحاظ اختلافات فرهنگی، قومیتی، ملی و معیارهای شخصیتی و موقعیتی می تواند به ناکارآمدی برنامه های پیشگیری منتهی شود؛ از اینرو بکارگیری ابزارها و ملزومات پیشگیری اجتماعی باید در راستای همبستگی با جامعه میزبان، به شیوه ای طراحی و اجرا

شوند که به مشی فکری و فرهنگی مهاجرین، نزدیک و به تدریج، همنوایی با ارزش های جامعه و احترام به قانون را در آنان نهادینه نماید. بدین سبب، گاهی روش پیشگیری اجتماعی باید متمایز از برنامه هایی باشد که برای اتباع داخلی اعمال می شوند؛ نظیر محتوای آموزشی متفاوت و اختصاص سرفصل هایی متناسب با خاستگاه سرزمینی و فرهنگی جامعه مهاجر که با ترویج رفتارهای انسانی، ارتباط ملموس تری با روان آنان برقرار نماید؛ اما متأسفانه در این مسیر به دلیل صرف هزینه های مجزاً در انشاء، انتشار و از سویی تأمین نظر نهادهای متولی، امکان استفاده از این روش ها در عمل میسر نبوده و این خود مشکلی است که در صورت عدم توجه می تواند در ادغام اجتماعی مهاجرین خلل وارد نماید. در خصوص هزینه های اختصاصی «از آنجا که پیشگیری اجتماعی از جرم از سنخ مطالعات پیگیر در زمان است تحلیل اقتصادی آن نیازمند برنامه ریزی های بلند مدت می باشد. به عبارتی، ماهیت پیشگیری اجتماعی و برنامه های مرتبط با آن به نحوی است که دیر بازده و در بادی امر، نیازمند سرمایه گذاری و اختصاص بودجه ای کلان است. بر این اساس، دولت ها به تأمین مالی برنامه ها در حوزه پیشگیری اجتماعی، به دید هزینه - و نه سرمایه گذاری - نگاه می کنند» (قماش و عارفی، ۱۳۹۶: ۸۶-۸۷-۱۰۰). شاید این نگرش در حوزه برنامه های پیشگیری از جرم مهاجران به سبب بیگانه بودن، از نمود بیشتری برخوردار باشد. «در سال ۲۰۱۹ میلادی، حدود سه میلیون افغان، قانونی در ایران زندگی می کردند که طی برآوردی، بیش از دو میلیون فرصت شغلی را اشغال، و هزینه سالانه هشت میلیارد یورویی را برای کشور رقم زده بودند؛ به این آمار باید حداقل حدود سی و پنج هزار اتباع عراقی بنابر سرشماری سال ۱۳۹۵ خورشیدی و اتباع پاکستانی مهاجر و نیز اتباع خارجی غیر قانونی را اضافه نمود» (ذکی و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۳۳) که طبیعتاً بر هزینه سالانه خواهند افزود؛ بنابراین، یکی از چالش های اساسی در برنامه پیشگیری اجتماعی از وقوع بزهکاری مهاجران، تأمین مالی این برنامه ها می باشد و متأسفانه کشور ایران با وجود مهاجرپذیری گسترده، به موجب گفتمان های سیاسی، تحریم و غلبه مسائل امنیتی، نتوانسته حتی در جذب کمک های بین المللی

نیز در جهت تأمین مالی و کاهش بار اقتصادی پیشگیری اجتماعی مهاجران، موفق عمل نماید. در حوزه سیاستگذاری و مقررات، همواره تمایز اتباع داخلی از خارجی به دلیل مسائل امنیتی، سیاسی و ملی بر اذهان سیاستگذاران حاکم بوده است؛ به گونه ای که اثرات آن به شکل محدودیت هایی با مقررات دست و پاگیر در موضوعاتی نظیر اشتغال، آموزش، محل اسکان و تأمین رفاه و بهداشت - که شالوده پیشگیری اجتماعی را رقم می زند - نمودار می باشد و نتیجه آن بی عدالتی، تمایز طبقه اجتماعی، حاشیه نشینی و در نهایت، ناسازگاری با محیط اجتماعی و گرایش به کجروی و بزهکاری است. در کنار مشکلات فوق علیرغم آن که «سیاست ها و برنامه ریزی اتباع و مهاجرین خارجی براساس سیاست های کلی ابلاغ کمیسیون ساماندهی اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور صورت می گیرد» (bafia.ir, 1401: 2390) اما حضور هفده دستگاه و نهاد متولی در امر اتباع خارجی در کشور را نیز باید از مسائلی برشمرد که موجب پراکندگی در تصمیمات و بالتبع، اثرگذاری منفی در حوزه پیشگیری اجتماعی از وقوع جرائم مهاجران گردیده است.

نمونه ای از کارشناسی نامناسب در بخشنامه آموزشی ابلاغ شده در سال ۱۴۰۱ از سوی وزارت آموزش و پرورش در ثبت نام دانش آموزان اتباع خارجی فاقد مدرک هویتی به چشم می خورد که داشتن برگه حمایت تحصیلی و یا شرکت در طرح بازشماری را لازم دانسته است؛ نتیجه این بخشنامه، محروم ماندن تعداد کثیری از کودکان و نوجوانان مهاجر در مقاطع تحصیلی مختلف است که به دلیل ترس از بازگردانده شدن به کشور خود، از شرکت در طرح بازشماری خودداری و از تحصیل باز می مانند و پیامد آن، سرازیر شدن این کودکان و نوجوانان به دور از پرورش صحیح در خیابان ها برای کسب درآمد و متعاقب آن، آشنایی با انواع انحرافات و نهایتاً گرایش به بزهکاری خواهد بود. مورد دیگر در قانون کار اشتغال به مشاغل سطح پائین، آن هم فقط برای مهاجران قانونی و عدم اشاره به تأمین اجتماعی آنان است. ماحصل چنین قوانینی، نگرانی مهاجران - اعم از قانونی و غیر مجاز - از وضعیت معیشت، و تن دادن

به هرگونه کاری از جمله امور خلاف و غیر قانونی است. از اینرو چالش های اساسی پیشگیری اجتماعی در قبال بزهکاری مهاجران را می توان در حوزه های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی و ساختار حاکم بر امور مهاجرین خارجی، مورد ارزیابی قرار داد. پیرامون «تحصیل کودکان مهاجر در مرحله قانونی و اجرایی با وضع آئین نامه های داخلی در خصوص نحوه ثبت نام کودکان بدون مدرک و عدم ثبت نام آنان در برخی موارد و اجرای سلیقه ای قوانین و آئین نامه در مدارس و تبدیل حق تحصیل کودکان به دستاویز و مدرکی جهت اقامت خانواده با وجود حضور حدود دو میلیون مهاجر غیر قانونی در کشور، در حوزه فرهنگی نبود محتوای آموزشی متناسب با همزیستی کودکان ایرانی و مهاجر در کنار هم در مدارس، عدم بازآموزی کادر آموزش و اجرایی مدارس و عدم اهتمام به تحصیل دختران مهاجر در برخی مناطق و فقدان همبستگی بین نهاد آموزش و سایر نهاد های خدمت رسان به مهاجران، در حوزه امنیتی جمعیت مهاجران بازمانده از تحصیل در نسل دوم و سوم که مستعد بزهکاری به واسطه محرومیت اجتماعی هستند، در حیطه اقتصادی، ضعف جدی وضعیت معیشتی خانواده های مهاجر و ضرورت اشتغال به کار کودکان مهاجر برای تأمین نیازهای خانواده، در قلمرو اجتماعی حاشیه نشینی جمعیت مهاجرین در کشور، ناپایداری حضور مهاجران در ایران و حضور بدون چشم انداز آنان» (diaran.ir، 1401: 18242) در کنار این موارد، ساختار ساماندهی و برنامه ریزی اتباع خارجی با وجود نهادهای مختلف و امنیتی، نگرش از بالا به پائین و گاهی نژادپرستانه اقشار جامعه و نگرانی از غصب فرصت های شغلی حتی در سطوح پائین اجتماعی توسط آنان، نگاه تهدید محور به دلیل آگاهی از ارتکاب جرایم خشن از سوی برخی از مهاجرین که بعضاً در برخی مناقشات سیاسی راهی به سوی نشر در جرایم باز کرده و موجب تسری ناخواسته شرارت به همه مهاجرین می گردند، عدم تفکیک ابزارهای پیشگیری اجتماعی اتباع داخلی از مهاجرین خارجی از لحاظ افتراقی سازی تدابیر کنشی با توجه به معیارهای شخصیتی، موقعیتی و فرهنگی، هزینه های فراوان برنامه های پیشگیری و مشکل در تأمین مالی آن و نادیده انگاری

مهاجرین غیر قانونی در کشور توسط سازمان های ذیربط و عدم توجه به وضعیت زندگی اجتماعی آنان، از جمله چالش هایی است که اقلیت مهاجران با آن دست به گریبان هستند. این مشکلات در صورت تداوم، به تدریج موجب جدایی گزینی از جامعه میزبان و جذب در اجتماعات قومیتی خود و عدم هماهنگی با هنجارها و فقدان وابستگی به ارزش های جامعه و در نهایت، کجروی و بزهکاری می گردد.

۴- راهکارهای راهبردی پیشگیری اجتماعی از بزهکاری مهاجران

پیشگیری اجتماعی که با تضمین حقوق بنیادین و برقراری عدالت اجتماعی آمیخته شده، در عمل مهم ترین راهبرد در تحقق پیشگیری کرامت مدار از جرم تلقی می شود؛ زیرا از یک طرف، با تأمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم در سطح جامعه سر و کار دارد و از سوی دیگر، در مجموعه حق های مندرج در مفاهیم حقوق بشر جهت پاسداشت کرامت مندی انسان جای می گیرد (قماش و عارفی، ۱۳۹۶: ۸۷)؛ «اما علیرغم آثار ناخوشایند آسیب های اجتماعی، این آسیب ها ترجیحاً به عنوان موضوعاتی اجتماعی و نه حقوقی و کیفی مدنظر قرار گرفته اند و تلقی رایج از این آسیب ها سبب گشته تا بیشترین تمرکز بر چرایی آنها معطوف و از توجه به مسئولیت حکمرانان غفلت شود» (غلامی، ۱۳۹۹: ۴۹۹) در حالی که مسئولیت سیاستگذاران در حوزه تقنین و اجرا با قدرت در اعمال حاکمیت و تعامل با بخش های مختلف در کنار بازوی توانمند ضمانت اجرا، همطراز با شناسایی علل ارتکاب جرم در محو و زدودن چالش های زمینه ساز ارتکاب جرم در حوزه های اجتماعی قرار دارد. در کشور ایران، متأثر از انسان دوستی هزاران ساله و آموزه های حقوق بشری طبق قانون اساسی، برنامه های پنج ساله توسعه، قانون کار، آئین نامه ها و بخشنامه ها، به آموزش و پرورش، خدمات بیمه، تأمین اجتماعی و اشتغال مهاجران که در حیطه پیشگیری اجتماعی جای می گیرند پرداخته شده؛ اما اعمال محدودیت ها، نگاه نابرابر، نفوذ مناسبات سیاسی و متولیان متفاوت نتوانسته است همه مهاجران، از جمله مهاجران غیر مجاز را به درستی پوشش دهد؛ لذا به منظور پیشگیری اجتماعی در قبال بزهکاری مهاجران در ابتدا یک قانونگذاری نظام

مند و افتراقی با توجه به وضعیت خاص آنان به عنوان اتباع بیگانه در کشور با ملحوظ نظر داشتن علل گرایش به بزهکاری آنان با دیدگاهی کرامت مدار و بشردوستانه لازم است تا زیربنای پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم، در چارچوب صحیحی و به دور از موازی کاری و تصمیمات نادرست قرار بگیرد. شاید با چنین نگرشی، طرح کلیات قانون تشکیل سازمان ملی مهاجرت در مورخ ۱۴۰۱/۸/۲۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که در آن مقرر شده به منظور هماهنگی، ساماندهی و برنامه ریزی در حوزه اتباع خارجی و همچنین مهاجرت به کشور، شورای هماهنگی مهاجرت با ۱۷ عضو اصلی از جمله، وزیر کشور به عنوان رئیس شورا، فرمانده کل انتظامی، وزیر اطلاعات، وزیر امور خارجه، رئیس سازمان ملی مهاجرت، وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی، وزیر آموزش و پرورش، ... به همراه دو عضو ناظر تشکیل می شود و در بند های ۱، ۳ و ۴ ماده ۵ این قانون، اجرای کلیه امور مربوط به سیاست ها و مصوبات مرتبط از قبیل اقامت، اشتغال، آموزش، بهداشت و درمان، امور اجتماعی و فرهنگی، استملاک و اسکان کلیه اتباع خارجی و برنامه ریزی و هدایت و نظارت بر امور آموزشی، اجتماعی و فرهنگی، هنری، ورزشی و ... نظارت بر بازار اشتغال اتباع خارجی با هماهنگی وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی در راستای صیانت از حقوق اتباع ایرانی بر عهده سازمان ملی مهاجرت گذارده شده است (حقیقت طلب، ۱۴۰۱، diaran.ir) گرچه تشکیل سازمان ملی مهاجرت بر انسجام امور مهاجران در عرصه هماهنگی و ساماندهی، نقطه عطفی در ممانعت از پراکندگی دستورالعمل ها، بخشنامه ها و آئین نامه های صادره می باشد اما با نگاهی به کلیات قانون سازمان ملی مهاجرت، با نکات چالشی که به تنش های حضور مهاجران در کشور دامن می زند، مواجه خواهید شد؛ از جمله: جرم انگاری های متعدد علیه مهاجران در حیظه ورود و خروج، اقامت، اشتغال، ازدواج، استملاک و ... که نشان دهنده توسل مقنن به «ابزار جرم انگاری» به منظور کنترل بیشتر مهاجران در ایران می باشد و افزایش اختیارات نهادهای انتظامی و امنیتی در زمینه مهاجرت به ویژه در مواد ۱۵ و بند ۵ ماده ۱۹ که حاکی از افزایش دیدگاه امنیتی به مهاجران است (diaran.ir)

(10355: 1401 از موارد قابل تأمل دیگری است که کلیت این قانون را در تکریم حقوق بشری مهاجرانی که عموماً تحت شرایط دشوار، ایران را پناهمگاهی برای خود قرار داده اند زیر سؤال می برد. نگاه تهدیدمحور به مهاجران، موجبات ناکارآمدی سیاست های پیشگیرانه اجتماعی را رقم خواهد زد؛ زیرا در وضع هر مقررّه و دستور العملی، پارادایم امنیتی، مانع ایجاد ضابطه ای کرامت مدار در مواجهه با موضوعات مختلفی می گردد که می توانند زمینه های کنترل جرائم را در ابعاد اجتماعی در سیطره خود داشته باشند؛ از اینرو در مجموع، در بحث راهبردهای پیشگیری اجتماعی در قبال بزهکاری مهاجران، ابتدا باید ناکارآمدی قوانین فعلی در حوزه های مختلف اجتماعی در ممانعت از گرایش به بزهکاری آنان مورد توجه قرار گرفته و سپس تصویب قانونی منسجم و افتراقی، اما به دور از افراط در امور امنیتی و نگاه تبعیض آمیز و منازعات و مناسبات سیاسی، با آگاهی از پیامدهای آسیب های اجتماعی مهاجران در کشور لازم است تا به تمامی ابعاد زندگی مهاجران - اعم از قانونی و غیر مجاز - به منظور رشد اجتماعی و شخصی آنان در حوزه پیشگیری اجتماعی با محوریت آموزش و پرورش، حرفه آموزی، اشتغال، ارائه خدمات در حوزه خانواده، بهداشت و درمان، رفاه اجتماعی، حمایت روانی از مهاجران به دور از سیاه نمایی و تحقیر از طریق رسانه های عمومی و تقویت ارزش های اجتماعی و انسانی، بهره گیری از سازمان های مردم نهاد در شناسایی و ارائه خدمات به مهاجرین و جذب کمک های بین المللی پرداخته شود تا در حیطه پیشگیری اجتماعی، به طور ریشه ای و اساسی راه های منتهی به بزهکاری مسدود گردد. بدین منظور، با کدگذاری این قوانین به منظور الحاق موضوعات حادث، پس از اقدامات کارشناسی، پژوهشی و حقوق بشری، از پراکنده نویسی در قوانین مختلف، ممانعت و با اختصاص فصلی به عنوان آئین نامه ها و بخشنامه ها از مراجع ذیصلاح که مرتبط با امور مهاجران در زمینه های رفع مشکلات اقتصادی، آموزشی، فرهنگی، فرصت های شغلی و تمثیت امور آنان به طور شایسته است از تشتت تصمیمات جلوگیری نمود و علاوه بر آن، فصلی نیز جهت ارائه خدمات به مهاجرین غیر مجاز به ویژه فرزندان آنان اختصاص

یابد تا به دور از تعصبات امنیتی و سیاسی و حربه طرد از کشور، مشکلات آنان که به طور طبیعی بیش از مهاجرین قانونی است مورد حل و فصل قرار گیرد.

نتیجه گیری

در روزگار حاضر که انسان بما هو انسان، به موضوعی اساسی و مشغولیتی عمومی در عرصه سیاستگذاری های داخلی و بین‌المللی بدل گشته است توجه به راهبردهایی که بتواند با نگرش صحیح به علل ارتکاب جرائم، به وضع قوانینی جهان شمول و مبتنی بر کرامت انسانی با حفظ اقتدار ملی در پیشگیری اجتماعی از وقوع جرائم مهاجران پردازد از اهمیت فراوانی در ابعاد داخلی و جهانی برخوردار است. تمامی زمینه های بروز رفتارهای نابهنجار و خلاف قانون عمدتاً نشأت یافته از آموزش و پرورش نامناسب و یا فقدان آموزش و پرورش صحیح در نهادهای نمودن روح همبستگی و همنوایی با همه موجودات، فقر فرهنگی و اقتصادی، ریشه های روانی کوچک انگاری و نادیده انگاری و به حاشیه رانده شدن می باشد که مجالی برای شکوفایی استعداد های جامعه پذیری باقی نمی گذارد. در کشور ایران گرچه قوانین، آئین نامه ها و بخشنامه هایی در موضوعات مرتبط با پیشگیری اجتماعی از وقوع بزهکاری مهاجران همچون آموزش و پرورش، اشتغال، بیمه و تأمین اجتماعی وضع گردیده اما وجود نهادها و یا سازمان های متعدد در تصمیم گیری، نگاه نابرابر، امنیت محور - هم از سوی سیاستگذاران و هم از سوی مردم - به مقوله مهاجران، به ویژه مهاجران غیر مجاز که تعداد زیادی از مهاجرین در کشور را شامل می شود هزینه های اقتصادی، مکانیسم غیر افتراقی در ابزارهای پیشگیرانه و وضع قوانین، بخشنامه ها و دستورالعمل ها با پارادایم امنیتی به مانعی اساسی در مواجهه و حل مشکلات در قالب سیاستگذاری درست منجر شده است و گرچه در طرح کلیات قانون تشکیل سازمان ملی مهاجرت، امور مربوط به سیاست ها و مصوبات مرتبط با اقامت، اشتغال، آموزش، بهداشت و درمان، امور اجتماعی و فرهنگی کلیه اتباع خارجی و برنامه ریزی و هدایت امور فوق بر عهده شورای هماهنگی اجرایی اتباع بیگانه و سپس سازمان ملی مهاجرت (در صورت نهایی شدن طرح تأسیس

سازمان ملی مهاجرت) گذارده شده، اما همچنان این دیدگاه امنیتی و تهدید محور با جرم انگاری های متعدد در آن وجود دارد. بدین جهت، به منظور پیشگیری اجتماعی از وقوع بزهکاری مهاجران، سیاستگذاری منسجم و افتراقی - هم در تقنین و هم در ابزارهای پیشگیرانه - به دور از افراط در نگاه امنیتی و تبعیض آمیز و منازعات سیاسی و با نگرشی ژرف بینانه، کرامت مدار و حقوق بشری لازم است تا بتوان در حوزه پیشگیری اجتماعی به موفقیت دست یافت؛ لذا با وضع قوانینی متناسب با وضعیت آنان و دستور العمل هایی در رفع چالش های موجود و با کدگذاری این قوانین به جهت ضمیمه نمودن موضوعات حادث و جدید، از پراکنده نویسی در قوانین مختلف و یا در قالب بخشنامه های سلیقه ای، ممانعت و با اختصاص بخشی در انتها به عنوان آئین نامه ها و بخشنامه ها از مراجع ذیصلاح، از پراکندگی تصمیمات جلوگیری نمود. لازم به ذکر است در این قانون، ارائه خدمات به مهاجران غیر مجاز به دور از سلاح القاء ترس و طرد از کشور نیز نباید از نظر مغفول بماند؛ چراکه بخش قابل توجهی از اتباع بیگانه به طور غیر مجاز در کشور زندگی می کنند و در مواجهه با این امر، ناگزیر می بایست تمهیداتی اندیشیده شود که حداقل، مهاجرینی با آموزش و پرورش صحیح که احترام به انسانیت و درستکاری در آنها نهادینه شده، در کشور به سر ببرند تا با تلنگری به سمت ارتکاب جرائم سوق پیدا نکنند. در بحث اشتغال نیز نگاه از بالا به پائین - که به دور از اصول اولیه حقوق بشر است - باید از نظام حقوقی برجیده شده و با سیاستگذاری درست، از دامنه هنجارستیزی که پایگاه اجتماعی مهاجران را خوار و آنان را بیشتر به سمت ارتکاب جرائم پیش می برد، جلوگیری نمود.

منابع

- ذکی، یاشار؛ احمدی، سیدعباس؛ عباس شوازی، محمدجلال؛ ادیب نیا، زهرا (۱۳۹۷)، شناسایی و تحلیل الگوی فضایی سکونت گزینی مهاجران خارجی در فضای روستایی و شهری ایران، فصلنامه پژوهش های روستایی، ۴۰، ۷۳۱-۷۳۹.

پیشگیری اجتماعی از بزهکاری مهاجران در پرتو نظام حقوقی و جامعه مهاجرپذیر — ۳۴۷

- اکبری، سید حامد (۱۳۹۰)، متن فواین اساسی کشورهای جهان به همراه اسناد مهم بین‌المللی، شیراز: نوید شیراز.

- براتی، جعفر؛ خسروی، احمد؛ شعبانی نژاد، حسن (۱۳۹۹)، حق دسترسی کارگران مهاجر به حمایت‌های تامین اجتماعی به موجب اسناد بین‌المللی و موافقت‌نامه‌های دو جانبه کار، فصلنامه تأمین اجتماعی، ۵۵، ۱۳۳-۱۵۳.

- بیگونند، سعید؛ رجیلو، جعفر (۱۳۹۳)، تحلیل جامعه‌شناختی نگرش مردم نسبت به مهاجران خارجی، مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۱۴، ۴۵-۵۸.

- پروین، خیرالله؛ رستمی، مرتضی (۱۳۹۱)، بررسی اثرپذیری حق کار کارگران مهاجر قانونی در ایران از اسناد بین‌المللی، مطالعات حقوق خصوصی، ۲۷، ۸۷-۱۰۶.

- حسینی، ماه صنم؛ زارعی، مرضیه؛ نجاتی، مرضیه؛ عمادی، فضل‌الله (۱۳۹۸)، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر، فصلنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۲۰، ۳۰۱-۳۱۰.

- خراسانی، محمد (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی آثار پیشگیری وضعی و اجتماعی در بزه‌دیدگی، تهران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

- دانش‌آرا، محمد (۱۳۹۷)، پیشگیری از جرم در سیاست جنایی ایران، تهران: مجد.

- دلماس مارتی، می‌ری (۱۳۹۳)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.

- ساریخانی، عادل؛ سلطانی بهلولی، مریم (۱۳۹۵)، نقش قوه مجریه در پیشگیری اجتماعی از جرم، مجله حقوقی دادگستری، ۹۴، ۱۴۱-۱۵۴.

- شکرپیگی، علیرضا؛ خونینی، غفور (۱۳۹۷)، سیاست جنایی در پیشگیری اجتماعی ناظر به منابع طبیعی و اراضی ملی، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۹، ۱۸۵-۲۱۸.

- عارفی، مرتضی (۱۴۰۰)، تعهدات حقوق بشری دولت در حوزه پیشگیری اجتماعی از جرم، فصلنامه دانش سیاسی، ۳۳، ۲۴۳-۲۶۶.

- غلامی، حسین؛ غلامی، نبی‌اله (۱۳۹۹)، جرم حکومتی؛ رویکردی نوین در تحلیل آسیب‌های اجتماعی مورد (مورد مطالعه: کودکان خیابانی شهر تهران)، مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۲/۹، ۴۹۷-۵۱۸.

- قماش، سعید؛ عارفی، مرتضی (۱۳۹۶)، **موانع سیاسی و اقتصادی پیشگیری اجتماعی از جرم**، آموزه های حقوق کیفری، ۱۳، ۸۵-۱۱۴.
- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۹۱)، **مبانی پیشگیری از جرم**، تهران: میزان.
- نجفی توانا، علی؛ رفیعی، حسن رضا؛ رفیعی، هادی (۱۳۹۲)، **نقش پیشگیری اجتماعی با رویکرد چند نهادی، پیشگیری از سرقت خودرو در تهران**، فصلنامه پژوهش های انتظام اجتماعی، ۶، ۱۱۸-۱۰۵.
- واعظی، طیبه (۱۳۹۷)، **تحصیل مهاجران افغانی در ایران: فرصت یا تهدید؟**، مجله دیده بان امنیت ملی، ۷۵، ۲۹-۳۴.
- <https://bafia.ir/fa/2390/1401/4/15/>
سیاست های برنامه ریزی اتباع و مهاجرین خارجی / اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور ۱۴۰۱/۹/۱
- <https://diaran.ir/8356/1401/08/24>
پیمان حقیقت طلب / صفر تا صد سازمان ملی مهاجرت
- <https://diaran.ir/18242/1401/03/16>
تحصیل مهاجران در ایران / تحصیل کودکان مهاجر در ایران چالش های تقنینی، نظارتی و اجرایی و راهکارهای پیشنهادی
- <https://help.unhcr.org/Iran/2022/08/14>
- <https://www.iom.int-global-compact-migration>
[www.iom.int/resources/global-compact-safe-orderly and-regular-migration/res/73/195/11/january/2019](https://www.iom.int/resources/global-compact-safe-orderly-and-regular-migration/res/73/195/11/january/2019)
- <https://www.unicef.org/iran/media/4376/the-united-nations-convention-on-the-rights-of-the-children/1400>
یونیسف برای همه کودکان تهیه شده توسط صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در ایران و مرجع پیمان نامه حقوق کودک وزارت داد گستری، چاپ اول تابستان ۱۴۰۰.